بسمه تعالی

جلسه ۹٤/۱/۲۷ کارگروه تربیت جنسي و عفاف گرائي

آقاي حسين باقري: کودکان آسيب پذيرترين قشري هستند که ما با آنها سروکار داريم چون در فرايند رشد هستند، (چه از نظر) سن‌شان و اين که از نظر مهارتي و رفتارها کامل نيستند و براي حفاظت از خودشان نيازمند حمايت والدين و بزرگترها هستند و از جمله مباحث ديگر اين است که کودکان به بسياري از حقوق اوليه‌شان آگاه نيستند و در فضاي خانواده يا اجتماع وقتي با آنها بد رفتاري شود نمي‌توانند از خوشان محافظت کنند. بر اين اساس بحث کودک آزاري را در فرهنگ‌هاي مختلف مي‌توانيم. ببينيم انواع مختلف از کودک آزاري وجود دارد، در جوامع صنعتي و غير صنعتي و آثار کوتاه مدت و بلند مدتي که براي کودک آزاري مطرح است، لذا يکي از مباحث جدي، بحث پيشگيري است و پيشگيري از بروز کودک آزاري جسمي، جنسي که بحث امروز ماست (و نيز) غفلت و بي توجهي عاطفي که بحث ديگري است، يک اصل در همه سطوح مختلف و در حوزه‌هاي مختلف در دنيا براي کودکان بحث پيشگيري يک اصل است که از جنبه هاي مختلف آموزشي به آن مي‌پردازند. نتيجه اينکه توجه به اين بحث تربيت جنسي و گنجاندن آن در اين مباحث پيشينه اساسي دارد، در حوزه روانشناسي و در دنيا خيلي کار کردند. (به نظر مي‌رسد) در مفاهيم ديني خيلي دراين قسمت نمي‌دانم بحث مستوفايي باز شده يا نه؟ ولي در روانشناسي خيلي زياد به آن پرداخته شده سوء استفاده و پيامدها و عوارض و درمانش، بر اساس آمارهاي جهاني ميزان شيوع سوء استفاده از کودکان بر اساس نوع جمعيت و منطقه جغرافيايي از ۱۲ تا ٤۰ درصد متغير است. سوء استفاده جنسي بر اساس جمعيت و منطقه جغرافيايي، پس از بررسي آمارهاي گزارش شده از ۲۱ کشور جهان بين ۷ تا ۳٦ درصد از زنان و بين ۳ تا۲۹ درصد از مردان در کودکي مورد سوء استفاده قرار گرفته بودند. منبع شماره ۱ و ٤ – در آن جوامع خيلي راحت مي‌گويند شما در دوران کودکي آزار جنسي شدي؟ مي‌گويد آري، در فرهنگ ما هم يک تحقيقي هست که افراد مقداري خودداري مي‌کنند، نمي‌گويند ولي در آن جوامع راحت تر مي‌گويند، (مثلاً شماره ٤ را دقت کنيد) شيوع سوء استفاده از کودکان در جامعه دانش آموزي يک فرا تحليل است که چاپ شده و يک تعداد زيادي از پژوهش ها را بررسي کرده شايد به تفکيک آورده باشد، الان آن اطلاعات را نداريم ولي در مجموع اين گزارش تا قبل ۱۳ سالگي اوايل نوجواني است. بر اساس تعريف روانشناسي کودکي تا مرحله قبل از نوجواني مي‌باشد و حدود ۱۲ – ۱۳ سالگي شروع نوجواني است. در رابطه با سوء استفاده از کودکان، بحث آزار لازمه‌اش (آزار) نيست. شايد يک بچه کوچک با يک سري تشويق درگير آن کار شود، چون کودک است باز هم سوء استفاده است، يعني حتي احساس بدي پيدا نکند. مثلاً عورت نمايي، نمايش‌گري، عکسبرداري، ممکن است خودش احساس منفي نداشته باشد به اين

خاطر هر (سوء) رفتاري كه با كودكان باشد، با علاقه يا بدون علاقه را سوء استفاده مي‌گويند. يكي دو گزارش از مطالعاتي داشتيم كه در ايران شده، هر چند مطالعات درايران خيلي كم است. نوروزي روي ۲۲٤۰ دانش آموز دبيرستاني مطالعه انجام داده كه ۱۰٦ مورد، ٤/۷ دهم درصد آزار جنسي را گزارش كردند و محمد خاني ۳/٦ درصد دانش آموزان، بيان كردند اكثر اوقات يا هميشه در معرض آزار جنسي قرار داشتند. تصريح مي‌كند كه بحث تابو بودن مساله يا فقدان سيستم آمار گيري و ضعف قانون در حمايت از كودكان آزار ديده و اين مباحث مي‌تواند در ميزان شناسايي و گزارش موارد تاثير گذار باشد. از مقاله ديگري استفاده كنم در رابطه انواع سوء استفاده، چند شكل تعريف شده؟ يک تعريف بهره‌كشي جنسي از كودک براي ارضاي فرد بزرگسال كه عموما (همراه با) زور و اجبار است. الگوهاي سوء استفاده چند تاست: يكي داخل خانواده بين اعضاي درجه اول خانواده، كه شايع‌ترين آن بين پدر و دختر است، زناي محارم، خارج از خانواده كه اين را افراد آشنا، همسايه، دوست خانوادگي و غيره مرتكب مي‌شوند. آئيني: در فرقه‌هايي مثل شيطان پرستان سوء استفاده با پيش زمينه اعتقادي خاص طبق مراسم آئيني صورت مي‌گيرد. موسسه‌اي: در مدارس، مهد كودک ها توسط يک فرد بزرگسال امكان اتفاق دارد و خياباني: شامل حمله به كودكان در اماكن عمومي توسط افراد غريبه است. تقسيم بندي ديگر اينكه سوء استفاده مي‌تواند به انواع تماسي و غير تماسي تقسيم شود. در نوع تماسي، مواردي مانند دستمالي كردن، استفاده از شيء براي دخول يا رابطه جنسي كامل مطرح است و در غير تماسي شامل عورت نمايي، پورونوگرافي، استفاده از الفاظ تحريک كننده و لذت بردن از واكنشهاي كودكان مي‌باشد. من از قسمت آثار و چند پيشنهاد كه در اين گزارش هست استفاده مي‌كنم. آثار و عواقب منفي كوتاه مدت و بلند مدتي را روي كودک مي‌گذارد كه ممكن است ترميم نشود و براي هميشه فرد يک نشانگاني را داشته باشد. آثار كوتاه مدت اختلالات رفتاري، شب اداري، اختلال در كنترل مدفوع، صدمه به خود، اضطراب، افسردگي، انزوا طلبي، افت تحصيلي و اختلال در تعامل هاي اجتماعي و بروز اشكال در برقراري ارتباط با افراد هم جنس فرد سوء استفاده كننده، علائم ديگر، مثل خودكشي، فرار از منزل، طرد كردن والدين به عنوان والدين بي كفايت، پرخاشگري، ولگردي، افسردگي، اعتياد، سوء استفاده جنسي از كودكان ديگر هم مي‌تواند جزو اين پيامدها باشد. در پيامدهاي بلند مدت از طيفي مثل افسردگي، خودكشي، اعتماد به نفس پايين، اعتياد، پرهيز از برقراري و ارتباط جنسي بعد از ازدواج، اشكال در تربيت فرزندان، بيش تيماري، كساني كه به صورت وسواس گونه مراقبت از بچه را دارند. مشكلات اجتماعي مشتمل بر رفتارهاي خشونت بار، بزهكاري، فرو رفتن در نقش قرباني در ارتباط‌هاي آنها ديده مي‌شود. ويژگيهاي شخصيتي كه افراد قرباني مي‌توانند داشته باشند كه در تقسيم بندي تيپ هاي شخصيتي مي‌گوييم يكي آزار دهنده است، يكي قرباني است. آن ويژگي شخصيتي را امكان دارد هميشه جزو تيپ شخصيتي‌اش حفظ كند. (من يک مراجعه كننده دختر دانشجو داشتم كه يک موقعي مورد سوء استفاده

واقع شده بود، براي ازدواجش كه اصلاً اميد به ازدواج نداشت و خيلي افكار منفي را داشت.) با توجه به پيامدهاي سوء استفاده اصل پيشگيري برجسته مي‌شود كه در اين موارد نكاتي مطرح مي‌شود: آموزش حقوق كودكان به آنها، آموزش رفتار با كودكان به والدين، آموزش روشهاي محافظت از خود در برابر انواع سوء استفاده‌هاي جنسي، تقويت برنامه‌هاي مربوط به كودک آزاري كه مقداري فضاي عمومي جامعه را تحت تاثير قرار دهند و به اين آزارها جامعه حساس شود. حمايت هاي قانوني از كارشناسان بهزيستي، كاركنان بهداشتي، درماني، مربيان مهدهاي كودک و افرادي كه با اين كودكان در ارتباط هستند. تقويت نظام هاي حمايت خانواده اين هم يک سري روشهاي پيشنهادي براي مقابله با سوء استفاده كه مي‌شود به آن پرداخت. يک مقاله‌اي كه بحث سوء استفاده را در دنيا از طريق حساس سازي معلمان دوره ابتدائي در رابطه رفتارهاي كودكان آموزش مي‌دهند، بسته آموزشي دارند آيا معلمان دوره ابتدائي كه نقش خيلي اساسي مي‌توانند داشته باشند، دانش دارند. نگرش مهارتها و احساس مسئوليت‌شان، يک پژوهش در ايران انجام شده كه ما بعضي از گروههاي هدف خاص را مي‌توانيم در رابطه با سوء استفاده به صورت حساس آموزش دهيم. چون در بحث سوء استفاده پيشگيري بيشتر اهميت دارد، مي‌خواهد معلمان ابتدائي را حساس كند، حتي نسبت به اين بحث‌ها كه دانش و نگرش و مسئول‌ت پذيري شان را نسبت به كودكان و اگر با قربانيان سوء استفاده مواجه شدند علائم را شناسايي كنند. در اين پژوهش، يافته ها نشان داده معلمان نسبت به اهيمت نقش خود در شناسايي و گزارش سوء استفاده جنسي از كودكان واقفند ولي در عين حال دانش آنها در اين زمينه ناكافي است، ٨٦ درصد آنها در اين زمينه هيچ آموزشي دريافت نكردند و به نظر مي‌رسد در اين رابطه از توانايي لازم برخوردار نيستند. معلم ابتدائي با توجه به اين كه زمان زيادي را با بچه ها سروكار دارد خيلي مي‌تواند موثر باشد نسبت به حالات كودک، به رفتارهايش حساس باشد و به صورت مسئوليت پذير مداخله كند زيرا بچه هاي در سن ابتدائي خيلي سريع علايم هيجاني را نشان مي‌دهند، مثل يک بزرگسال نيستند كه درون ريزي كنند، برعكس برون ريزي است به صورت اضطراب و رفتارهاي مختلف خودش را نشان مي‌دهد. بنابراين معلم ها خيلي زود متوجه مي‌شوند و توصيه كرده بود آنها اين كار را بكنند. از اين الگو مي‌توان استفاده نمود و بعضي گروه هاي هدف را بيشتر توجه كرد مثلاً مربيان مهد كودک، معلمان دوره ابتدائي، (در كشورهاي ديگر آموزش ضمن خدمت را مطرح كرده) در اسلايدهايي كه ملاحظه كرديد يكي دو مورد مستند كه مورد سوء استفاده واقع شدند، بحث را شروع كرديم تا والدين را حساس كنيم كه پيامدهاي سوء استفاده چه هست و بعد فيلم هيس دختران فرياد نمي‌زنند را قسمتي را گذاشتند كه همان موضوع را عيني مي‌كند و بعد به تعريف سوء استفاده كه تعريف و اشكال سوء استفاده مطرح شده و تعريف قانوني سوء استفاده آمده، در تعريف سوء استفاده، تماس جنسي يک فرد بالاي ١٨ سال با فرد كمتر از ١٨ سال كه معمولاً با تحت فشار قرار دادن و استفاده از زور يا از طريق فريب دادن يا اغوا نمودن قرباني اتفاق

اتفاق مي‌افتد. چنانچه فرد مهاجم كمتر از ۱۸ سال سن داشته داشته باشد در صورتي به اين تماس سوء استفاده جنسي اطلاق مي‌شود كه تفاوت سني او با كودک قابل توجه بوده يا او را به زور به رابطه جنسي وادار كرده باشد. اگر دو بچه هم سن و سال يا با فاصله كم باشند به آن سوء استفاده نمي‌گوئيم در تعريف قانوني. اين سوء استفاده ها خيلي از مواقع توسط خويشاوندان، نزديكان اتفاق مي‌افتد كه فرد را وادار به فعاليت جنسي مي‌كنند كه در جامعه امريكا ۱۰ تا ۱۵ درصد دختران قبل از ۱۸ سالگي مورد سوء استفاده قرار گرفتند. در اين جامعه حدود ۹۰ هزار كودک آزار ديده در هر سال هست. در شيوعش در ايران، با توجه به يكي دو پژوهش اطلاعاتي داريم كه خيلي دقيق نيست ولي آنچه مشخص است *قربانيان را بيشتر دختران* تشكيل مي‌دهند و مهاجمين هم از جنس مذكرند يا افرادي كه از حيث خويشاوندي به كودک دسترسي دارند. در مورد پسران اين مورد كمتر افشا و مطرح مي‌شود. (در تعريف كلي، سوء استفاده عبارت است از درگير شدن كودک در فعاليتهاي جنسي كه از نظر سطح رشدي و تكاملي متناسب نبوده و بر خلاف شرع، عرف و قوانين اجتماعي است.)

در بحث پيشگيري والدين مي‌توانند به بچه ها در سنين ۳ تا ٤ سال سالگي به **خصوصی بودن** اندامهاي جنسي اشاره كنند. پستانها، باسن، اندام تناسلي، به بچه ها آموزش دهند تا حدود ٤ – ۵ سالگي، بچه ها اينها را درک كنند. توصيه مي‌شود در مواقع خاصي كه اثر گذاري بيشتر است، مثلاً بعد از اينكه بچه استحمام كرده ارزشمندي بدن را يادآوري كنيم و بعد بيان اينكه بعضي از قسمت هاي بدن تو، اينها حريم است، براي خودت است. مي‌توانند نام ببرند قسمت سينه، اندام جلو، باسن، به بچه بگويند و اينكه چه كساني مجازند به اينها دست بزنند در چه موقعيت خاصي كه آنها محدود است و در غير از آن بقيه حق ندارند. با اين ادبيات خيلي صميمانه با حفظ آن رابطه در چند نوبت از سه چهار سالگي شروع تا سن ۵ – ٦ سالگي و حتي بعد از آن هم مي‌تواند تكرار شود تا بچه ها ياد بگيرند. (بچه ها در نوع لباس زيرشان متوجه مي‌شوند قبل از اينكه بگوييد مي‌فهمند بايستي بعضي قسمت ها پوشيده باشد. مي‌دانيم در سه چهار سالگي دختر و پسر بودن را خوب فهميدند و اين پوشش ها را از قبل رعايت مي‌كنند نسبت به آنها آگاه هستند.)

بهترين جا براي اين صحبت ها محيط خانواده و والدين هستند، به بچه مي‌گوييم اگر به صورت غريزي خودت فهميدي يک موقعيتي ناراحتت مي‌كند از آن موقعيت خودت را خارج كن و از افراد قابل اعتماد كمک بگير و اگر فرضا كودكي در معرض سوء استفاده قرار بگيرد، **آن كودک بی گناه است** و بايد اين را به خود بچه ها گوشزد كنند كه بقيه مي‌توانند كمكش كنند و هم چنين به پدر و مادر اطلاع دهند، مثل فيلم هيس دختران فرياد نمي‌زنند. موارد مشابه وجود داشته كه قرباني به هيچ عنوان مطرح نكرده، فكر كرده خودش يک خطاي بزرگي را مرتكب شده و به اين دليل همچنان در معرض سوء استفاده هاي مكرر بوده، بايد بگوييم اگر چنين

اتفاقي افتاد تو مقصر نيستي، تکنيک ابراز وجود و نه گفتن به بچه ها کمک مي‌کند اگر در يک موقعيتي قرار گرفت، بتواند اول نه بگويد، بعد از موقعيت خارج شود و به افراد قابل اعتماد بگويد يک چنين اتفاقي مي‌خواسته بيفتد. براي پيشگيري هم توصيه‌هايي شده، ارزش قايل شدن براي خودشان و جسم شان و داشتن رابطه کلامي آن سبک فرزند پروري متعادل والدين با فرزندان، گذاشتن زمان براي صحبت والدين با بچه ها که به سبک فرزند پروري برمي‌گردد. طرح موضوع در بحث پيشگيري بعد از استحمام بچه است.

علائم هشدار دهنده هم مانند زياده روي در خود ارضايي که مانع پرداختن به فعاليت هاي ديگر شود، تغيير در روحيه، خشم‌گيري بدون علت، رفتارهاي اسرار آميز، تغيير در رفتارهاي اجتماعي، منزوي شدن يا دور شدن از دوستان و خانواده و اگر مشکوک هستيد، از فرزند تان بپرسيد آيا کسي با دست زدن به اندامهاي خصوصي بدنت تو را ناراحت کرده که بتوانيم بحث را با کودک در ميان بگذاريم.

آخرين نکته اينکه در صورت مواجهه با کودکي که دچار آسيب شده و آزار ديده بايد چکار کرد؟

بايد شرايطي را فراهم کرد که بتواند واقعه را بازگو کند. اين طور صحبت کردن با والدين سخت است ولي از او بخواهيد صحبت کند. يکي از پيش زمينه ها داشتن اوقات *کيفي خوب با فرزندان* است که اگر اين وجود داشته باشد بچه ها مي‌توانند مسايل‌شان را بگويند و کمک خواهد کرد به شرايط ارتباطي بهتر، مثالي زديم وقتي بچه‌اي آسيب مي‌بيند از ارتفاعي (افتاده) دست يا پايي مي‌شکند والدين در اولين اقدام سعي مي‌کنند سلامت کودک را تامين کنند و اقدامات حمايتي و درماني را براي او در نظر گيرند، نه اينکه او را سرزنش کنند. در مورد کودک آزاري هم بايد رويکرد همين باشد. کودکي که قرباني اين قضيه شده، يکي از مهمترين استرس‌ها را دريافت کرده، آسيب رواني ديده، حال رويکرد والدين اين باشد که سرزنش و تحقير را پيش بگيرند، در واقع تشديد کننده خواهد بود. يکي از تعاريف سوء استفاده را مي‌گويند (PTSD) اختلال استرس پس از سانحه است، مثل کسي که در جنگ يک آسيبي مي‌بيند الان وقتي آن خاطرات يادآوري مي‌شود يک مقداري حالش بد مي‌شود مي‌گوييم PTSD بچه هايي هم که قرباني سوء استفاده مي‌شوند، در حال زور بوده و خيلي شرايط سختي داشتند، بايد به عنوان رويکرد حمايتي درماني با آنها کنار بياييم، به جاي اينکه والدين بيايند مدعي شوند و او را تحقير کنند، (که خيلي مهم است) در نحوه برخورد والدين بايد توجه داشت.